نشریه مکتب احیاء، ۳ (۷)، ٤٤-۵۳/ تابستان ١٤٠٤
10.22034/3.7.5

مقالهٔ پژوهشی

تأثیر ناسازگاری‌های توسعهٔ کالبدی بر هویت و حس تعلق به مکان (نمونه موردی: روستای طار)*

صبا میرزاحسین[1]**
مائده قصبه[2]
فاطمه صفری سفیدمزگی[2]

۱. گروه معماری و هنرهای زیبا، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، ایران
۲. گروه معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

واژگان کلیدی
توسعهٔ کالبدی، مکان‌بودگی، هویت مکانی، حس تعلق به مکان، روستای طار، برنامه‌ریزی روستایی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ناسازگاری توسعه‌های کالبدی با مکان‌بودگی بستر در روستای طار انجام شده است. در بسیاری از روستاهای ایران، به‌ویژه در چارچوب طرح‌های هادی، مداخلات توسعه‌ای بیشتر بر بهبود کالبد و زیرساخت‌ها متمرکز بوده و در نتیجه، توجه کافی به زمینه‌های فرهنگی، طبیعی و اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی حاصل شده‌اند. در سفر پژوهشی به روستا (اردیبهشت ۱۴۰۴)، ساختار فضایی، فضاهای عمومی، نحوهٔ شکل‌گیری روابط اجتماعی و تجربهٔ زیستهٔ ساکنان بررسی و گفت‌وگوهای غیررسمی با آنان انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه‌های کالبدی جدید، به‌ویژه در بخش بالادست روستا، با ساختار طبیعی و هویت فرهنگی بستر هماهنگ نیستند و این امر موجب تضعیف حس تعلق به مکان، کاهش تعاملات اجتماعی و گسست هویتی شده است. بنابراین، برنامه‌ریزی کالبدی در روستاها زمانی می‌تواند پایدار و اثربخش باشد که بر شناخت مکان، ارزش‌های فرهنگی و نیازهای اجتماعی ساکنان استوار باشد و توسعه نه از بیرون، بلکه از درون بستر و تجربهٔ زیستهٔ جامعهٔ محلی شکل گیرد

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «ناسازگاری‌های توسعه با مکانیت بستر (مطالعه‌موردی: منطقهٔ نطنز روستاهای اطراف)» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۴ در پژوهشکدهٔ هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.

** نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۲۰۹۴۹۱۳۹, Saba.mirzahosein1@ut.ac.ir

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]
[DOI: 10.22034/3.7.5]

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم «حس تعلق به مکان» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در کیفیت زیست‌پذیری سکونتگاه‌ها مورد توجه پژوهشگران جغرافیا، معماری و برنامه‌ریزی شهری قرار گرفته است (Tuan, 1979; Relph, 1976). تعلق به مکان حاصل پیوند عاطفی، شناختی و تجربی افراد با محیط است و زمانی شکل می‌گیرد که محیط بتواند هویت، خاطره و معنا برای ساکنان تولید کند (Scannell & Gifford, 2010). در بسیاری از روستاهای ایران، طرح‌های توسعهٔ کالبدی مانند طرح‌های هادی بدون توجه به ابعاد معنایی و هویتی مکان اجرا شده‌اند که این امر می‌تواند موجب تضعیف حس مکان و کاهش ارتباط ساکنان با محیط زیست روزمره خود شود (Low & Altman, 1992).

روستای طار در شهرستان نطنز نمونه‌ای از سکونتگاه‌هایی است که توسعه‌های کالبدی جدید در آن، الگوهای فضایی، نحوه تعاملات اجتماعی و ادراک ساکنان از مکان را دستخوش تغییر کرده است. این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر این توسعه‌ها بر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان، تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از مدل نظری سه‌بعدی (Scannell & Gifford ,2010)، رابطهٔ میان ویژگی‌های کالبدی، معنایی و اجتماعی مکان با تجربهٔ زیستهٔ ساکنان را بررسی کند

پژوهش حاضر در پی بررسی ناسازگاری‌های میان توسعه‌های کالبدی و هویت مکانی در روستای طار است. بسیاری از طرح‌های توسعهٔ روستایی، علی‌رغم بهبود وضعیت فیزیکی، با چالش‌هایی نظیر عدم توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع روستایی روبه‌رو هستند که این امر می‌تواند موجب کاهش حس تعلق به مکان و افزایش مهاجرت از روستاها شود. بنابراین، تحلیل تأثیر این تغییرات بر هویت مکانی و اجتماعی ساکنان، امری ضروری به‌نظر می‌رسد

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیرات توسعه‌های کالبدی بر مکانیت بستر و حس تعلق به مکان در روستای طار است. اهداف ویـژه پژوهش عبارتند از

۱. شناسایی تأثیر توسعه‌های کالبدی بر هویت مکانی روستا

۲. تحلیل ناسازگاری‌های میان توسعه‌های کالبدی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان

ایـن پژوهش می‌تواند راه‌گشای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در ایجاد توازن میان توسعه‌های فیزیکی و نیازهای اجتماعی-فرهنگی روستاها باشد

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش عبارتند از:

توسعه‌های کالبدی صورت‌گرفته در روستای طار چگونه بر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان ساکنان تأثیر گذاشته‌اند؟

سؤالات فرعی:

۱. کدام ویژگی‌های کالبدی، فرهنگی و طبیعی طار در شکل‌گیری حس مکان نقش دارند؟

۲. توسعه‌های ناشی از طرح هادی چگونه این مؤلفه‌ها را تضعیف یا تقویت کرده‌اند؟

روش پژوهش

ایـن پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی انجام شده است. هدف اصلی تحقیق، بررسی چگونگی تأثیر توسعه‌های کالبدی اخیر بر مکان‌بودگی و حس تعلق به مکان در روستای طار است. بدین منظور، داده‌های پژوهش از دو منبع اصلی مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی حاصل شده‌اند

در بخش کتابخانه‌ای، اسناد مرتبط با طرح هادی، گزارش‌های برنامه‌ریزی روستایی، مطالعات پیشین و مبانی نظری مربوط به مفهوم مکان، حس مکان و تعلق به مکان مورد تحلیل قرار گرفتند.

در بخش میدانی، تیم پژوهش در اردیبهشت ۱۴۰۴ با حضور در روستا، به مشاهده مستقیم ساختار فضایی، کارکرد فضاهای عمومی، نوع ساخت‌وسازها، کیفیت معابر و شیوهٔ استفاده ساکنان از فضا پرداخت. همچنین، برای درک تجربهٔ زیسته و نگرش ساکنان نسبت به تغییرات کالبدی، گفت‌وگوهای غیررسمی و هدفمند با اهالی محلی انجام شد. این گفت‌وگوها بدون ساختار پرسشنامه‌ای رسمی و مبتنی‌بر ثبت توصیفی ادراک و تجربهٔ افراد از محیط زندگیشان صورت گرفت. تحلیل داده‌ها بر اساس مدل سه‌بعدی تعلق به مکان انجام شد که شامل سه بعد مکان، فرایند تجربه و شخص است. در ایـن چارچوب، شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و ادراکی استخراج و یـافته‌ها در دو بخش پایین‌دست (**باغات و فضاهای تاریخی**) و بالادست (**توسعه‌های جدید**) مقایسه شدند

این روش امکان داد تا:

۱. ویژگی‌های عینی کالبد و فضا (**مشاهده مستقیم**)

۲. تجربهٔ زیسته و خاطره‌مندی ساکنان (**گفت‌وگوهای محلی**)

۳. مفاهیم نظری هویت مکان و تعلق مکانی (**مطالعات کتابخانه‌ای**)

به صورت یکپارچه تحلیل شوند و تأثیر توسعه‌های جدید بر هویت مکانی روستا به‌دقت تبیین گردد

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، طرح‌های هادی روستایی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در ایران مطرح بوده‌اند؛ با این‌حال، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که این طرح‌ها در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند اهداف خود را در جهت توسعه پایدار و حفظ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی روستاها محقق سازند. بسیاری از پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که عدم توجه به زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و روابط اجتماعی در فرآیند طراحی و اجرا، موجب گسست هویتی و کاهش حس تعلق به مکان در بسیاری از روستاها شده است

عنابستانی و اکبری در مطالعه‌ای بر طرح‌های هادی روستاهای شهرستان جهرم نشان دادند که این طرح‌ها به دلیل عدم انطباق با نیازهای واقعی ساکنان و بی‌توجهی به سبک زندگی روستایی، نتوانسته‌اند نقش مؤثری در تقویت سکونت و کاهش مهاجرت ایفا کنند (Anabestani & Akbari, 2013). در پژوهشی مشابه، پورطاهری و همکاران در بررسی طرح‌های هادی روستاهای شهرستان ایوان‌غرب به این نتیجه رسیدند که هرچند برخی مداخلات کالبدی مانند بهسازی معابر و بهبود مسکن انجام شده، اما این اقدامات به دلیل فقدان پیوند با زمینه فرهنگی و اجتماعی، تأثیر پایداری در زندگی روستاییان نداشته و حتی در برخی موارد موجب تضعیف انسجام اجتماعی شده است (Pourtaheri et al., 2013).

در مجموع، پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مسئله اصلی طرح‌های هادی نه در بعد فنی یا کالبدی، بلکه در نادیده گرفتن هویت مکانی و ابعاد اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌هاست. بنابراین، طراحی و اجرای طرح‌های توسعهٔ روستایی نیازمند رویکردی زمینه‌مند است که در آن عناصر هویت‌ساز (مانند باغات، فضاهای

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]

جمعی، مکان‌های تاریخی و الگوهای معیشتی) به‌عنوان بخش اساسی برنامه‌ریزی در نظر گرفته شوند
با وجود مطالعات گسترده در زمینهٔ ارزیابی عملکرد طرح‌های هادی، پژوهش‌های اندکی به صورت مشخص به رابطهٔ میان توسعه کالبدی و حس تعلق به مکان پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر روستای طار، این خلأ را پوشش داده و تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه مداخلات کالبدی می‌توانند موجب تضعیف یا تقویت هویت مکانی و تجربهٔ زیستهٔ ساکنان شوند

مبانی نظری

• مفهوم توسعه

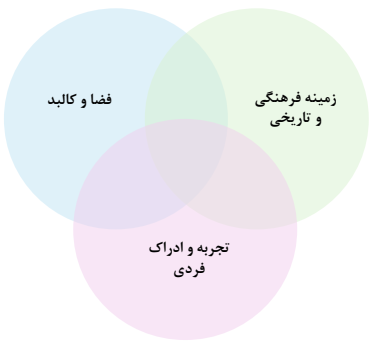
توسعه به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و پویا در فرایندهای اجتماعی و اقتصادی همواره در حال تغییر است. از نیمهٔ قرن بیستم، تلاش‌ها برای توسعه از یک مدل مالی و زیرساختی به‌سمت توسعه‌ای انسانی و نهادی حرکت کرده است. این تغییرات به‌دنبال ارتقای کیفیت زندگی افراد و جوامع، آموزش، بهداشت، مشارکت اجتماعی و عدالت اجتماعی می‌باشد (Taqipour Akhtari et al., 2024). توسعهٔ انسانی به معنای دستیابی به توانمندی‌های فردی و جمعی در جهت ایجاد تحول اجتماعی و اقتصادی است. به این معنا، توسعه تنها به جنبه‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه باید به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز توجه کند
به‌ویژه در زمینهٔ توسعهٔ روستایی، این فرایند باید به‌گونه‌ای باشد که نه‌تنها ویژگی‌های اقتصادی بلکه فرهنگ، هویت و نیازهای اجتماعی روستاها را نیز مدنظر قرار دهد. از این‌رو، مفهوم «توسعهٔ پایدار» به یکی از رویکردهای کلیدی در برنامه‌ریزی روستایی تبدیل شده است که به حفظ و تقویت هویت بومی و محلی روستاها می‌پردازد. برای تحقق توسعهٔ پایدار، شناخت دقیق و جامع از محیط و مکان ضروری است

• مفهوم مکان

مکان مفهومی پویا و چندلایه است که در نتیجهٔ تعامل مداوم انسان با محیط شکل می‌گیرد. منظر به‌عنوان پدیده‌ای «عینی ـ ذهنی»، حاصل پیوند کالبد، تجربه و معناست و بنابراین مکان نیز چیزی فراتر از یک موقعیت جغرافیایی صرف است (Mansouri, 2005). فضا زمانی به مکان تبدیل می‌شود که قابل خوانش، ادراک و تجربه باشد؛ به‌عبارت دیگر، زمانی که فرد بتواند ارتباطی ذهنی، حسی و نمادین با آن برقرار کند. به همین دلیل مکان واجد دو بعد هم‌زمان است: بعد کالبدی و بعد معنایی
شاخص‌ها و ویژگی‌هایی که می‌توانند فضا را به مکان تبدیل کنند، شامل وجود عناصر هسته‌ای و شاخص، پیوستگی تاریخی، قابلیت خوانایی، ساختار فضایی، و حضور عناصر طبیعی و فرهنگی است. این ویژگی‌ها سبب می‌شوند که مکان علاوه‌بر عملکرد فیزیکی، واجد معنا، خاطره و هویت نیز باشد
از دیدگاه مانزو (Manzo, 2005)، تجربهٔ انسان از مکان لزوماً یکسان و یکنواخت نیست، بلکه تحت تأثیر پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و زیستهٔ افراد قرار دارد. به همین دلیل یک مکان می‌تواند برای فرد یا گروهی «مثبت، خاطره‌انگیز و هویت‌ساز» باشد و برای گروهی دیگر «بی‌معنا یا حتی آزاردهنده». این تنوع تجربه، نشان‌دهندهٔ نقش تعیین‌کنندهٔ ادراک و مواجهه فرد با محیط است
توان نیز تأکید می‌کند که مکان از طریق «تجربهٔ زیسته» شکل می‌گیرد؛ یعنی افراد با حضور، سکونت، کار، خاطره‌سازی و ارتباطات اجتماعی، به محیط معنا می‌بخشند. بنابراین مکان تنها نتیجهٔ فرم کالبدی نیست، بلکه یک پدیدهٔ انسان‌پیوند است که لایه‌های عاطفی و اجتماعی در آن نقش اساسی دارند (Tuan, 1979).
در نتیجه می‌توان گفت که مکان محصول هم‌نشینی سه عامل است
۱. فضا و کالبد
۲. تجربه و ادراک فردی
۳. زمینهٔ فرهنگی و تاریخی
و زمانی به یک مکان هویت‌مند و ارزشمند تبدیل می‌شود که این سه سطح در آن با یکدیگر در تعادل باشند (تصویر ۱).
بر این اساس، توجه به معنای مکان و ویژگی‌های ادراکی و هویتی آن در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی کالبدی ضروری است؛ زیرا برنامه‌ریزی کالبدی بدون درک هویت مکان، می‌تواند منجر به گسست‌های فرهنگی، کاهش حس تعلق و از بین رفتن پیوندهای اجتماعی شود

• حس مکان

حس مکان به ادراک ذهنی و عاطفی افراد از محیط اشاره دارد؛ ادراکی که موجب ایجاد پیوند درونی فرد با مکان می‌شود و به او اجازه می‌دهد که مکان را به‌عنوان بخشی از هویت خویش تجربه کند (فلاحت، ۱۳۸۵). این حس سبب می‌شود که فرد در یک محیط خاص احساس راحتی، امنیت، آشنایی و معنا داشته باشد و حضور خود را با فضا همسو بداند. بنابراین، حس مکان تنها محصول مشاهده یا استفاده عملکردی از فضا نیست، بلکه حاصل تجربهٔ زیسته و ارتباطات تکرارشونده انسان با محیط است
در نگاه پدیدارشناسانه، مکان‌ها واجد «روح» هستند؛ یعنی مجموعه‌ای از نشانه‌های ادراکی، نمادین، تاریخی و زیستی که در طول زمان شکل گرفته و در حافظهٔ جمعی و فردی تثبیت می‌شوند. این روح مکان است که باعث می‌شود مکان‌ها برای افراد مختلف معانی گوناگون و حتی گاه متضاد پیدا کنند. به بیان دیگر، مکان‌ها از طریق تجربه‌های روزمره، وقایع مشترک، خاطرات فردی و ارزش‌های اجتماعی فهم و تفسیر می‌شوند و حس مکان زمانی تقویت می‌شود که این لایه‌های معنایی در بستر فیزیکی قابل تشخیص و بازخوانی باشند
همان‌گونه که رلف اشاره می‌کند، حس مکان زمانی شکل می‌گیرد که رابطه انسان با محیط «واقعی، پیوسته و غیرگسسته» باشد. در مقابل، هرگونه مداخله کالبدی که بدون توجه به زمینه، تاریخ، شیوه زندگی و روابط اجتماعی انجام شود، می‌تواند موجب «بی‌مکانی» یا کاهش حس مکان گردد. بنابراین، حس مکان مفهومی پویا و وابسته به زمینه است و با تغییرات اجتماعی، کالبدی و فرهنگی دچار تحول می‌شود (Relph,1976).



تصویر ۱ . مدل مفهومی مکان و مؤلفه‌های آن. مأخذ: نگارندگان.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]
[DOI: 10.22034/3.7.5]

• تعلق به مکان

تعلق به مکان مرحله‌ای عمیق‌تر از حس مکان است و به پیوند عاطفی، هویتی و اجتماعی فرد با محیط اشاره دارد. در این حالت، فرد مکان را نه‌فقط به‌عنوان فضایی برای زیستن، بلکه به‌عنوان بخشی از هویت و تجربهٔ زندگی خود درک می‌کند (فلاحت، ۱۳۸۵). تعلق به مکان سبب می‌شود محیط برای فرد «آشنا، معنادار و ارزشمند» شود و بنابراین تغییر یا ازدست‌رفتن آن، نوعی گسست هویتی و عاطفی ایجاد می‌کند

از دیدگاه لو و التمن، تعلق به مکان حاصل برهم‌کنش تجربه‌های زیسته، روابط اجتماعی، خاطره‌های فردی و زمینه‌های فرهنگی است. به بیان دیگر، تعلق به مکان زمانی شکل می‌گیرد که فرد در طول زمان بتواند تجربه‌های مکرر و معنادار با محیط برقرار کند. این امر نشان می‌دهد که تعلق یک مفهوم پویا و تدریجی است؛ نه ویژگی ثابت یا صرفاً وابسته به کالبد (Low & Altman, 1992).

تعلق به مکان را می‌توان در دو بعد اصلی بررسی کرد:

۱. تعلق اجتماعی: ناشی از شبکهٔ روابط انسانی، مشارکت‌های جمعی، تاریخ مشترک و تعاملات روزمره در محیط. هر چه روابط اجتماعی فعال‌تر و همزیستی اجتماعی قوی‌تر باشد، پیوند هویتی با مکان عمیق‌تر می‌شود

۲. تعلق کالبدی: مرتبط با کیفیت فضایی، خوانایی، قابلیت احساس‌پذیری و هماهنگی کالبد محیط با نیازهای زندگی. مکان‌هایی که ساختار فیزیکی آن‌ها با شیوهٔ زیست مردم همخوان باشد، امکان شکل‌گیری تعلق بیشتری دارند

در نتیجه، تقویت تعلق به مکان نیازمند توجه هم‌زمان به بعد اجتماعی و بعد کالبدی است. هرگونه مداخله توسعه‌ای که یکی از این دو بعد را نادیده بگیرد، می‌تواند منجر به کاهش تعلق و در نهایت تضعیف هویت مکان شود. به‌ویژه در سکونتگاه‌های روستایی، جایی که هویت مکانی به‌شدت وابسته به خاطره، طبیعت، معیشت و فضای جمعی است، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند

مدل نظری تحلیل حس تعلق به مکان

برای تحلیل تعلق به مکان در این پژوهش، از مدل سه‌بعدی اسکانل و گیفورد استفاده شده است. این مدل حس تعلق به مکان را پدیده‌ای چندلایه و وابسته به تعامل میان «فرد»، «فرایند» و «مکان» می‌داند که در قالب سه بُعد اصلی قابل تحلیل است (Scannell & Gifford ,2010) (جدول ۱).

این مدل به‌طور هم‌زمان ابعاد عاطفی، ادراکی و کالبدی مکان را درنظر می‌گیرد و به همین دلیل، نسبت به مدل‌های تک‌بعدی (مثلاً فقط کالبدی یا فقط اجتماعی)، برای تحلیل سکونتگاه‌های روستایی دقیق‌تر و مناسب‌تر است

در زمینه سکونتگاه‌های روستایی ایران، که «هویت» و «تجربهٔ زیسته» به‌شدت با طبیعت، معیشت و تاریخ شفاهی گره خورده‌اند، استفاده از این مدل کمک می‌کند تا تفاوت میان

۱. مکان‌هایی که هویت را حفظ کرده‌اند.

۲. مکان‌هایی که تحت تأثیر توسعهٔ کالبدی دچار گسست هویتی شده‌اند

با دقت مشخص شود.

بر همین اساس، در تحلیل روستای طار، این سه بعد به‌صورت زیر قابل سنجش شدند (جدول ۲):

بنابراین، این مدل مبنای تحلیل در بخش «یافته‌ها و بررسی نمونه موردی» قرار می‌گیرد و چارچوبی فراهم می‌کند تا تأثیر توسعه‌های کالبدی طرح هادی بر حس مکان و تعلق به مکان به‌طور نظام‌مند بررسی شود

بررسی نمونه موردی روستای طار

در فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار روستاهای ایرانی، توجه به عناصر مکان‌ساز و میراثی، یکی از محورهای اساسی شکل‌گیری هویت مکانی است. با این حال، در بسیاری از طرح‌های هادی روستایی، ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی نادیده گرفته شده و این امر می‌تواند منجر به تضعیف حس مکان و کاهش حس تعلق ساکنان به محیط زندگی خود شود

روستای طار، واقع در دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه کرکس، نمونه‌ای از سکونتگاه‌هایی است که ساختار فضایی و هویت اجتماعی آن در گذر زمان تحت تأثیر تعامل میان عوامل طبیعی، تاریخی و توسعه‌های کالبدی اخیر قرار گرفته است. چشم‌انداز طبیعی گسترده، وجود باغات، چشمه‌ها، آتشکده تاریخی و مقبره باباعبدالله به‌عنوان عناصر هویت‌ساز، ظرفیت بالایی برای تقویت حس مکان و تعلق مکانی در این روستا ایجاد کرده‌اند. با این حال، اجرای طرح‌های هادی و شکل‌گیری ساخت‌وسازهای جدید، به‌ویژه در بخش بالادست، سبب گسست کالبدی و اجتماعی میان بخش‌های مختلف روستا شده است

از نظر سازمان فضایی، روستا دارای سه بخش اصلی است:

- پایین‌دست: شامل باغات و اراضی زراعی در حاشیه رودخانه، که اغلب مالکیت آن‌ها به ساکنان غیرمقیم تعلق دارد؛ اما ساکنان دائمی این محدوده عمدتاً افرادی کم‌درآمد هستند که وظیفه حفاظت و نگهداری از باغات را بر عهده دارند

- میانه روستا: شامل هسته تاریخی و فضاهای مذهبی و خدماتی است که با وجود ارزش‌های تاریخی و اجتماعی، به دلیل عدم توجه در طرح‌های توسعه، در وضعیتی رهاشده و غیرفعال باقی مانده‌اند تصویر ۲ وجود فضاهای دارای پتانسیل برای شکل‌گیری فضای

جدول ۱. چارچوب تحلیلی حس تعلق به مکان بر اساس مدل اسکانل و گیفورد. مأخذ: Scannell & Gifford, 2010.

بعد	توضیح	پرسش کلیدی در تحلیل	ارتباط با موضوع مقاله
شخص (Person)	پیش‌زمینه‌های فردی و جمعی، خاطره‌ها، تجربهٔ زیسته و هویت	چه کسانی و به چه دلیلی با روستا احساس پیوند دارند؟	آیا ساکنان طار «خود را بخشی از مکان» می‌دانند یا فقط در آن سکونت دارند؟
فرایند (Process)	تعامل و تجربهٔ روزمره با فضا؛ شیوهٔ ادراک و معناسازی	افراد چگونه با فضا زندگی و تعامل می‌کنند؟	آیا فضاهای اجتماعی در طار هنوز محل «بودن، دیدن و دیده شدن» هستند یا کارکرد خود را از دست داده‌اند؟
مکان (Place)	ویژگی‌های کالبدی، طبیعی، تاریخی و فضایی محیط	کدام عناصر فیزیکی هویت و تعلق را ایجاد یا تضعیف می‌کنند؟	نقش باغات، بافت تاریخی، و توسعه‌های کالبدی جدید در هویت طار چیست؟

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]
تابستان ۱۴۰۴

جدول ۲. تطبیق مدل تعلق به مکان با شواهد میدانی روستای طار. مأخذ: نگارندگان

بعد	شاخص‌های قابل مشاهده در میدان	نمونه‌های مرتبط در طار
شخص	خاطره‌مندی، ماندگاری جمعیت، روایت‌سازی از گذشته	استمرار پیوند گروه‌های باغدار با باغات
فرایند	میزان تعاملات روزمره و شکل‌گیری فضاهای جمعی	حضور و حرکت در کوچه‌باغ‌ها، فضاهای بینابینی
مکان	کیفیت کالبدی، هماهنگی با بستر طبیعی و تاریخی	تفاوت شدید میان «بافت پایینی باغات» و «بافت جدید بالادست»

اجتماعی در هستهٔ تاریخی، اما بدون بهره‌برداری و رهاشده را نشان می‌دهد

- بالادست: عمدتاً محل سکونت ساکنان دائمی امروز روستاست. ساخت‌وساز در این بخش تحت تأثیر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان قرار گرفته و به شکل سلیقه‌ای و ناهماهنگ انجام شده است؛ این موضوع در نمای ساختمان‌ها و طراحی معابر به‌وضوح قابل مشاهده است

در تصویر ۳ تفاوت در ساخت‌وساز و شکل معابر در بخش بالادست روستا دیده می‌شود که نشان‌دهنده عدم انسجام کالبدی و عدم تحقق اهداف طرح هادی است

به طور کلی، تحلیل کالبدی و اجتماعی روستا نشان می‌دهد که طرح هادی نتوانسته نقش مؤثری در یکپارچگی فضایی و ارتقای هویت مکانی ایفا کند

در بخش پایین‌دست، پیوند میان باغات، طبیعت و تجربهٔ زیسته روزمره، موجب شکل‌گیری حس تعلق قوی‌تر شده

در حالی که در بخش بالادست، ساخت‌وسازهای جدید و ناهماهنگ موجب کاهش حس مکان و انقطاع با ساختار هویتی گذشته شده‌اند

• ساختار فضایی و سازمان سکونتی

بر اساس مشاهدات میدانی، ساختار فضایی روستای طار را می‌توان به سه حوزه اصلی تفکیک کرد (جدول ۳).



تصویر ۲. وجود فضاهایی با پتانسیل ایجاد فضای اجتماعی و شکل‌گیری هویت محلی ولی رها شده در محدودهٔ بنای تاریخی. عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۴۰۴۱

جدول ۳. بررسی بخش‌های فضایی روستا و امکان ایجاد تعلق به مکان برای روستاییان. مأخذ: نگارندگان

بخش فضایی	ویژگی‌ها	پیامد هویتی و تعلق مکانی
پایین‌دست (حاشیه باغات)	مسیرهای ارگانیک، باغات فعال، وابستگی معیشتی و خاطره‌مندی	تعلق قوی به‌دلیل پیوند روزمره با طبیعت و تاریخ زیسته
میانه (هستهٔ تاریخی و عناصر فرهنگی)	آتشکده، مقبره، فضاهای عمومی رهاشده	ظرفیت تعلق بالا اما نیازمند احیای کارکردی
بالادست (ساخت‌وسازهای جدید)	معماری متنوع، مصالح ناهمگن، معابر ناپیوسته	تعلق ضعیف به دلیل گسست کالبدی و کاهش روابط اجتماعی

• طرح هادی روستای طار

طرح هادی به‌عنوان برنامه‌ای برای ساماندهی کالبدی و هدایت توسعهٔ آتی روستا، بر پایهٔ مطالعات اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی تدوین می‌شود و هدف آن تعریف نحوهٔ استفاده از زمین، بهبود شبکهٔ معابر، ارتقای مسکن و تأمین خدمات عمومی است (عزیزپور و حسینی‌حاصل، ۱۳۸۷). در این چارچوب، شاخص‌های ارزیابی طرح‌های هادی معمولاً در چهار حوزهٔ اصلی تعریف می‌شوند: مسکن، شبکهٔ معابر، کاربری اراضی و بهداشت محیط

در طرح هادی روستای طار، توسعهٔ کالبدی عمدتاً در بخش بالادست روستا پیشنهاد شده است؛ بخشی که به دلیل ارتفاع، شیب و محدودیت دسترسی، دارای شرایط خاص محیطی و معیشتی است که خود موجب به وجود آمدن بافتی ناپایدار به لحاظ سازه ای و منطقه‌ای خالی از سکنه شده است(تصویر ۶ و ۷). این در حالی است که بیشترین پیوندهای هویتی و تعلق مکانی ساکنان در بخش پایین‌دست و حوزهٔ باغات شکل گرفته است. علاوه بر این، بیشترین مداخلات کالبدی طرح، نه در جهت تقویت فضاهای اجتماعی و عناصر فرهنگی، بلکه عمدتاً در قالب سنگ‌فرش معابر و ساماندهی سطحی مسیرها در محدودهٔ هستهٔ تاریخی و مذهبی بوده است، بدون آنکه برنامه‌ای برای احیا و فعال‌سازی کارکرد اجتماعی این فضاها در نظر گرفته شود (تصویر ۴).

در نتیجه، طرح هادی به‌جای تقویت هویت مکانی، در برخی بخش‌ها موجب گسست فضایی و تشدید دوگانگی میان بخش‌های پایین‌دست و بالادست شده است؛ به‌گونه‌ای که بخش‌های جدیدتر روستا از نظر فرم، مصالح، سلسله‌مراتب فضایی و روابط اجتماعی،



تصویر ۳. تفاوت کالبدی و عدم یکپارچگی در طراحی ساختمان‌ها و معابر حکایت از عدم توجه به برنامه طرح هادی و معماری سلیقه‌ای که برگرفته از اختلاف طبقاتی ساکنین است، دارد. عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۴۰۴۱

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]



تصویر ۴. محدودهٔ ساخته شده بر اساس طرح هادی در بالا دست روستا که فارق از توجه به نیاز ساکنین و اینکه آیا سکنه دائمی دارد یا خیر و همچنین کالبد سازه ها و ناپایداری آن‌ها، توجه فقط معطوف به سنگفرش کردن معبر شده است. عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۱۴۰۴.



تصویر۶. عمدهٔ ساختمان‌ها در بخش بالادست شامل بافت ناپایدار و خالی از سکنه است. عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۱۴۰۴.

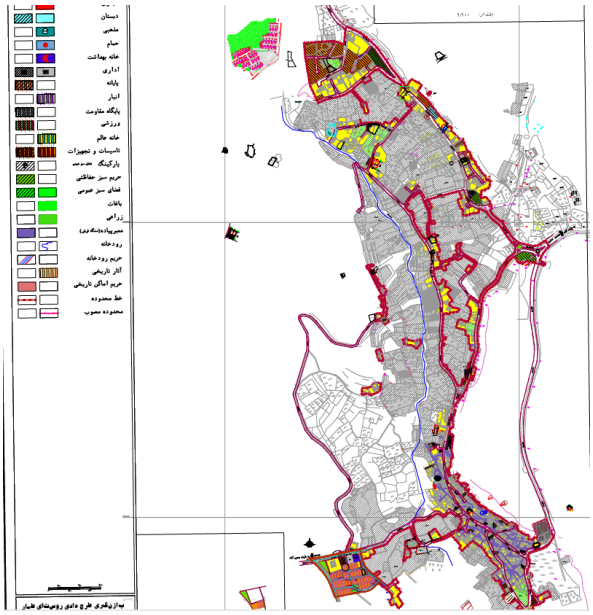
منفصل از بافت تاریخی و طبیعی روستا عمل می‌کنند (نقشهٔ بازنگری طرح هادی روستای طار. مشاور طرح: محمدنصیر خسروی، ۱۳۹۴).

با توجه به بررسی‌های میدانی، می‌توان گفت که عدم توجه طرح هادی به نیازهای محلی، ساختار اجتماعی و اقلیم روستا یکی از عوامل اصلی بروز گسست در هویت مکانی و کاهش حس تعلق به مکان در بخش‌های جدید روستاست (تصویر ۵).

در ادامه به جهت ارزیابی طرح هادی، به شاخص‌های هریک بر اساس مشاهدات میدانی نگارندگان پرداخته شده و به شکل کیفی، از ضعیف تا مطلوب طبقه بندی شده‌اند (جدول ۴، ۵، ۶، ۷).

یافته ها و بحث: بررسی مکان بودگی طار

روستای طار به واسطهٔ وجود عناصری تاریخی، طبیعی، معنوی و فرهنگی، دارای شاخصه‌هایی است که با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده می‌توان مکانیت آن را ثابت کرد. با توجه به مشاهدات میدانی، در بخش پایینی روستا ما شاهد انبوه باغات و مسیرهایی ارگانیک و متناسب با تقسیم‌بندی اولیه باغات هستیم. در حقیقت با وجود تداخلات اخیر مبنی بر آسفالت کردن معابر که خود موجبِ قرارگیری ورودی باغ پایین‌تر از سطح معبر شده، بافت قدیمی کاملاً



تصویر ۵. نقشهٔ بازنگری طرح هادی روستای طار. مشاور طرح: محمدنصیر خسروی، ۱۳۹۴.



تصویر۷. با توجه به عدم نظارت نهادهای دولتی، سازه‌ها به‌شکل سلیقه‌ای و متناسب با بودجه سازندگان ساخته می‌شود که بعضاً بافتی ناپایدار دارند عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۱۴۰۴.

حفظ شده و باغات به سبب همزیستی نزدیک با معیشت ساکنین و خاطره‌سازی برای آن‌ها، خود به عنوان بعد طبیعی از عناصر مکان ساز این روستا هستند. بنابراین می‌توان گفت مکانیت طار با توجه به موقعیت جغرافیایی، وابسته به باغات آن است

علاوه‌بر آن عناصر دیگری نیز در شکل‌دهی هویت فرهنگی و اجتماعی طار نقش بسزایی ایفا کرده‌اند

۱. چشمه آب چیک‌چیک: این چشمه به‌عنوان یک منبع آب طبیعی، نقشی حیاتی در تامین آب شرب و کشاورزی روستاییان ایـفا می‌کند. وجود این چشمه در میان زمین‌های کشاورزی طار، نشان از اهمیت منابع طبیعی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و اقتصادی روستا دارد

۲. آتشکدهٔ طار: یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی این روستا، آتشکده‌ای است که به دورهٔ پیش از اسلام تعلق دارد. این بنا، علاوه بر ویژگی‌های معماری خاص خود، در تاریخ‌نگاری فرهنگی و مذهبی روستا اهمیت ویژه‌ای دارد

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]

جدول ۴. میزان اثرگذاری طرح هادی در روستا در حوزهٔ مسکن. مأخذ: نگارندگان.

شاخص های مسکن	میزان اثر گذاری	مصداق (براساس مشاهدات میدانی)
افزایش تراکم ساختمانی	ضعیف	مهاجرت سکنه سبب عدم نیاز به افزایش تراکم ساختمانی شده که موجب ایجاد بافتی رهاشده و خالی از سکنه شده است (تصویر ۵).
مقاوم سازی مساکن روستایی	ضعیف	گسست و تضاد در ساخت: - عدم نیاز به مقاوم سازی در پایین دست به سبب وجود بافت سبز و زندهٔ باغات - در بخش بالادست بزخی سازه ها با حداقل مقاومت و با توجه به بودجه اندک ساکن ساخته شده و بعضا بر اُساس طرح هادی ساخته نشده است (تصویر۶).
تغییر الگوی ساخت‌وساز روستایی	ضعیف	عدم ساخت و ساز و در نتیجه عدم تغییر الگو
رعایت مقررات در ساخت‌وساز	مطلوب	در برخی سازه‌های جدید، سعی بر ساخت سازه مقاوم شده است
افزایش تراکم خانوار	ضعیف	عدم تعلق به مکان و مهاجرت سکنه

جدول ۵. میزان اثرگذاری طرح هادی در روستا در حوزه شبکه معابر. مأخذ: نگارندگان.

شاخص‌های شبکهٔ معابر	میزان اثرگذاری	مصداق (براساس مشاهدات میدانی)
سهولت رفت‌وآمد روستاییان	بالا دست: نامطلوب پایین دست: قوی	اکثر مسیرهای بالا دست خاکی و همراه با شیب تند بود در حالی که پایین دست آسفالت شده و حرکت در آن آسان است.
کیفیت معابر نوساخت	بالا دست: نامطلوب پایین دست: مطلوب	مسیر بالادست همراه با معبرسازی سلیقه‌ای و پایین دست با کیفیت و یکپارچه
کیفیت پوشش معابر	بالا دست: نامطلوب پایین دست: قوی	مسیر بالادست خاکی، پایین دست آسفالت
نحوهٔ دسترسی به معابر	مطلوب	رعایت اصل خوانایی
رعایت ضوابط فنی (شیب و...)	مطلوب	حل معضل شیب با توجه به موقعیت مکانی روستا
تغییرات سلسله مراتب	مطلوب	فضای جمعی دارای معبر مناسب
زیباسازی معابر	ضعیف	طراحی نامناسب مبلمان شهری

جدول ۶. میزان اثرگذاری طرح هادی در روستا در حوزه کاربری اراضی. مأخذ: نگارندگان.

شاخص های کاربری اراضی	میزان اثرگذاری	مصداق (براساس مشاهدات میدانی)
تناسب منطقی بین جمعیت و خدمات و امکانات رفاهی	ضعیف	عدم وجود امکانات رفاهی و خدماتی که منجر به مهاجرت قشر جوان روستا شده است.
توجه به بافت با ارزش تاریخی، فرهنگی	ضعیف	عدم طراحی مناسب محدودهٔ امامزاده یا آتشکده که خود می‌توانند به سبب ایجاد خاطرهٔ جمعی و فضای اجتماعی موجب تعلق به مکان شوند.
پیش‌بینی مناسب توسعهٔ روستا	نامطلوب	طرح هادی توسعه را در بخش مسکونی و به‌خصوص بالادست درنظر گرفته در حالی که دسترسی این مناطق به سبب موقعیت مکانی صعب‌العبور است.

جدول ۷. میزان اثرگذاری طرح هادی در روستا در حوزه بهداشت. مأخذ: نگارندگان.

شاخص های بهداشت	میزان اثر گذاری	مصداق (براساس مشاهدات میدانی)
ایجاد فضای سبز	نامطلوب	عدم وجود فضای سبز در قسمت بالادست به سبب موقعیت مکانی و قرارگیری در بخش سردسیر روستا در بخش پایین‌دست به سبب وجود باغات و کوتاه بودن دیوارها، شکل ارگانیک و طبیعی فضا حفظ شده است
دفع و هدایت آب‌های سطحی	نامطلوب	عدم تعبیهٔ منحل یا کانیوو جهت هدایت و دفع آب‌های سطحی در بخش بالادست معابر به شکل سلیقه‌ای و بدون توجه به طرح هادی به شکل نامنظم طراحی و ساخته شده است.
کیفیت جمع‌آوری زباله ها	مطلوب	وجود سطل‌های زباله در محدوده و ورودی روستا

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]

۳. مقبره باباعبدالله: این بنا که به عنوان یک مقبرهٔ مذهبی شناخته می‌شود، از آثار تاریخی و معنوی این منطقه است. موقعیت این مقبره در تاریخ‌نگاری روستا و نزدیکی آن به سایر عناصر فرهنگی به شدت به حس مکان و تعلق به مکان در روستا افزوده است

۴. خانه‌های قدیمی و کوچه‌باغ‌ها: خانه‌های سنتی و کوچه‌های بافت قدیمی روستا، جزء عناصر فرهنگی و تاریخی به شمار می‌روند که نه‌تنها در زیبایی‌شناسی روستا تأثیرگذارند بلکه نقش اساسی در ارتباطات اجتماعی و تعاملات روزمره روستاییان دارند

۵. رشته کوه‌های کرکس و چشم‌انداز طبیعی: کوهستان کرکس که در کنار روستا قرار دارد، به طار چشم‌اندازهای طبیعی منحصر به فردی بخشیده است. این چشم‌انداز نه تنها به زیبایی طبیعی روستا افزوده بلکه در شکل‌گیری حس تعلق و هویت مکانی آن نیز موثر است

با وجود گسست‌ها، عناصر زیر همچنان نقش «مکان‌ساز» دارند (جدول ۸):

جدول ۸. بررسی مکانیت روستای طار. مأخذ: نگارندگان.

عنصر	نقش در شکل‌گیری هویت	پیامد فرهنگی-اجتماعی
باغات و سیستم آبیاری	پیوند معیشت، زندگی و طبیعت	پایدارترین ریشهٔ تعلق مکانی
چشمهٔ آب چیک‌چیک	منبع حیاتی و خاطره‌مند	تقویت حافظهٔ جمعی
آتشکده و مقبرهٔ باباعبدالله	نمادهای تاریخی-معنایی	هویت فرهنگی مشترک
کوچه‌باغ‌ها	فضای اجتماعی روزمره	بسترساز تعامل چهره‌به‌چهره
رشته‌کوه کرکس	چشم‌انداز معنایی-جغرافیایی	ادراک مکان و جهت‌یابی فضایی

• بعد مکان: رابطهٔ کالبد و طبیعت در شکل‌گیری هویت

در بخش پایین‌دست، باغات و اراضی کشاورزی به صورت طبیعی با بستر توپوگرافی و منابع آب در تعامل هستند. این هم‌پیوستگی میان کالبد، طبیعت و شیوهٔ زیست، موجب شکل‌گیری هویت بومی و حس تعلق قوی در این بخش شده است. ساکنان این محدوده، به واسطهٔ تداوم فعالیت‌های باغی و حضور مداوم در چشم‌انداز طبیعی، مکان را بخشی از زندگی و حافظهٔ خود ادراک می‌کنند (تصویر ۸). اما در بخش بالادست، به دلیل ارتفاع، محدودیت زیرساخت‌ها و طراحی‌های سلیقه‌ای، توسعه کالبدی غیرهم‌راستا با محیط طبیعی بوده و این امر منجر به گسست هویتی و کاهش حس تعلق شده است (جدول ۹).

جدول ۹. بررسی رابطه فیزیکی با محیط طبیعی. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه	شاخص	تحلیل در روستای طار
مکان (Place)	عناصر طبیعی و تاریخی	باغات + چشمه + آتشکده = مکان‌ساز و هویت‌زا
شخص (Person)	خاطره، تاریخ شفاهی	در بخش پایین‌دست ⟶ تعلق قوی، در بالادست ⟶ گسست هویتی
فرایند (Process)	تعاملات اجتماعی	بخش مرکزی و باغات ⟶ تعاملات زنده؛ بالادست ⟶ انزوا و مهاجرت

در نتیجه هر جا کالبد، طبیعت و زندگی روزمره در پیوستگی هستند، حس مکان قوی است و هر جا توسعهٔ کالبدی ناسازگار است، حس مکان تضعیف می‌شود

• بعد فرایند: تأثیر روابط اجتماعی بر حس تعلق

در بافت قدیمی روستا، کوچه‌باغ‌ها و فضاهای نیمه‌عمومی محل شکل‌گیری تعاملات چهره‌به‌چهره و مناسبات خانوادگی بوده‌اند. این فضاها بستر تولید حافظهٔ جمعی و احساس «ما» بودن هستند

اما در ساخت‌وسازهای جدید، بافت گسسته و نبود فضاهای جمعی، موجب کاهش تعاملات روزمره و افزایش فاصلهٔ اجتماعی شده است

- نقل‌قول از ساکن روستا:

«ما همیشه کنار هم بودیم؛ بچه‌ها در کوچه‌باغ‌ها بازی می‌کردند. اما حالا دیگر نه از آن صمیمیت خبری هست، نه از همسایه‌ها»

در نتیجه؛ روابط اجتماعی بالاترین نقش را در پایداری حس تعلق دارند و معماری جدید این بستر را تضعیف کرده است

• بعد شخص: تجربهٔ زیسته و حافظهٔ مکان

هویت مکانی بخش پایین‌دست بر تجربه‌های مکرر و حافظه مشترک ساکنان استوار است. اما در بالادست، چون ساخت‌وسازهای جدید، ناپیوسته و بدون تاریخ جمعی‌اند، هویت و تعلق شکل نگرفته و حتی تمایل به مهاجرت تقویت شده است

• جمع‌بندی یافته‌ها: عدم توجه به مکان در برنامه‌ریزی روستایی

نتایج بررسی میدانی نشان می‌دهد که بخش بالادست روستا علی‌رغم قرارگیری در محدوده طرح هادی، به دلیل فقدان برنامه‌ریزی مبتنی‌بر ویژگی‌های مکانی، فرهنگی و اجتماعی به‌صورت خودجوش و سلیقه‌ای توسعه یافته است. این نوع توسعه، که بدون توجه به پیوند انسان-محیط و ساختار زیست‌جهان ساکنان شکل گرفته، موجب گسست در سه بعد اصلی تعلق به مکان شده است (جدول ۱۰):

جدول ۱۰. تحلیل تعلق به مکان در بخش بالادست طار. مأخذ: نگارندگان.

بعد	پیامد در بخش بالادست	نتیجه
مکان	نبود هماهنگی با بستر طبیعی و فرم کالبدی	کاهش کیفیت ادراکی و هویتی فضا
فرایند	کاهش تعاملات روزمره و تضعیف فضاهای جمعی	افت پیوندهای اجتماعی و حافظه مشترک
شخص	عدم شکل‌گیری تجربهٔ زیستهٔ مشترک	عدم شکل‌گیری تعلق و افزایش میل به مهاجرت

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]



تصویر ۸. طراحی معابر و دیوارها همسو با بستر طبیعی به‌وسیلهٔ مصالح بومی جهت حفظ بافت و هویت. عکس: صبا میرزاحسین، بهار ۱۴۰۴.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه‌های کالبدی در روستای طار، به‌ویژه در بخش بالادست، بدون توجه کافی به زمینه‌های طبیعی، تاریخی و اجتماعی انجام شده و این امر موجب تضعیف هویت مکانی و حس تعلق به مکان ساکنان شده است. بر اساس مدل سه‌بعدی اسکانل و گیفورد، تعلق به مکان زمانی تقویت می‌شود که بعد مکان (**ویژگی‌های کالبدی و طبیعی**)، بعد فرایند (**تعاملات روزمره**) و بعد شخص (**حافظهٔ جمعی و تجربهٔ زیسته**) در پیوستگی با یکدیگر باشند. در طار، ایـن پیوستگی در بخش‌های پایین‌دست و هستهٔ تاریخی حفظ شده است؛ جایی که باغات، چشمه‌ها، کوچه‌باغ‌ها و عناصر فرهنگی همچون آتشکده و مقبره باباعبدالله همچنان فعال و معنادار هستند و نقش مؤثر در ساخت هویت و خاطره‌مندی ساکنان دارند

در مقابل، توسعه‌های جدید در بخش بالادست، به دلیل ساخت‌وسازهای ناهمگون، نبود انسجام کالبدی، ضعف فضاهای جمعی و فاصله گرفتن از بستر طبیعی، نتوانسته‌اند زمینهٔ شکل‌گیری تجربهٔ زیستهٔ مشترک و روابط اجتماعی پایدار را فراهم کنند و در نتیجه، حس تعلق در این بخش‌ها ضعیف‌تر است. این وضعیت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی کالبدی بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی، نه‌تنها موجب ارتقای کیفیت سکونت نمی‌شود، بلکه می‌تواند به گسست هویتی و تشدید تمایل به مهاجرت منجر شود

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توسعهٔ پایدار روستایی تنها زمانی ممکن است که برنامه‌ریزی کالبدی با هویت مکانی و شیوهٔ زیست ساکنان هماهنگ باشد. به عبارت دیگر، مکان باید نقطهٔ آغاز برنامه‌ریزی باشد، نه نتیجه فرعی آن

• پیشنهادهای کاربردی

به منظور تقویت حس تعلق به مکان و پایداری توسعهٔ کالبدی در روستای طار، پیشنهاد می‌شود

۱. احیای هستهٔ تاریخی و فضاهای جمعی از طریق فعال‌سازی عملکردی، نه صرفاً سنگفرش یا زیباسازی

۲. حفظ و تقویت پیوند میان باغات و سکونتگاه به‌عنوان مهم‌ترین منبع هویت مکانی و حافظهٔ جمعی

۳. تدوین الگوی ساخت‌وساز هماهنگ با بستر طبیعی و مصالح بومی در بخش بالادست

۴. مشارکت دادن ساکنان در فرایند تصمیم‌گیری طرح‌های هادی برای جلوگیری از توسعه‌های بی‌ریشه و غیرزمینه‌مند

۵. بازنگری طرح هادی با تأکید بر سه بعد تعلق به مکان: مکان (**طبیعت+کالبد**)، فرایند (**تعاملات**)، شخص (**هویت و خاطره**).

در مجموع می‌توان بیان کرد که توجه به مکان‌بودگی به‌عنوان یک اصل بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی روستاها، به‌ویژه در طرح‌های هادی، ضروری است؛ چرا که هرگونه توسعه‌ای که بدون شناخت زمینه مکانی صورت گیرد، نه‌تنها کیفیت زندگی را بهبود نمی‌بخشد بلکه منجر به گسست هویتی و افت تعاملات اجتماعی خواهد شد

اعلام عدم تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است

فهرست منابع

• عزیزپور، فرهاد؛ و حسینی‌حاصل، صدیقه. (۱۳۸۷). مروری بر روند تحولات کالبدی روستاهای کشور (با تاکید بر طرح هادی روستایی). *مسکن و محیط روستا*، ۲۷(۱۲۳)، ۴۲-۵۵. https://jhre.ir/article-1-97-fa.html

• فلاحت، محمد صادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. *هنرهای زیبا*، ۱(۲۶). https://journals.ut.ac.ir/article_12321.html

• Anabestani, A., & Akbari, M. H. (2013). Assessment of Rural Guidance plans and Its Role in Rural Physical Development from the Villagers' View (Case Study: Jahrom County). *Human Geography Research, 44*(4), 93-110. https://doi.org/10.22059/jhgr.2013.29386

• Low, S.M., & Altman, I. (1992). Place Attachment. In: Altman, I., Low, S.M. (eds) *Place Attachment.* Human Behavior and Environment, vol 12. Springer, Boston, MA. https://doi.org/10.1007/978-1-4684-8753-4_1

• Mansouri, S. A. (2005). An introduction to Landscape architecture identification. *Bagh-e Nazar, 1*(2), 69-78. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html

• Manzo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology, 25*(1), 67-86. https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2005.01.002

• Pourtaheri, M., Eftekhari, A. R., & Abbasi, M. (2013). Evaluating the Performance of the Rural Guide Plans in Physical Development of the Rural Settlements (Case Study: Nabovat and Khoran Villages in Eyvangharb Township). *Geography and Environmental Sustainability, 2*(4), 25-36. https://ges.razi.ac.ir/article_198.html?lang=en

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

[DOI: 10.22034/3.7.5]

• Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
• Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology, 30*(1), 1–10. https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006
• Taqipour Akhtari, A., Alipour Tabrizi A., & Rouhanian, R. (2024). Rural Area as a Place of Development, A Comparison between "Built Landscape" and "Lived Landscape" in Kohdasht Region. *Journal of Revitalization School, 2*(2), 22-33. https://doi.org/10.22034/2.2.22
• Tuan, YF. (1979). Space and Place: Humanistic Perspective. In: Gale, S., Olsson, G. (eds) *Philosophy in Geography*. Theory and Decision Library, vol 20. Springer, Dordrecht. https://doi.org/10.1007/978-94-009-9394-5_19

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
میرزاحسین، صبا؛ قصبه، مائده و صفری سفیدمزگی، فاطمه. (۱۴۰۴). تأثیر ناسازگاری‌های توسعه کالبدی بر هویت و حس تعلق به مکان (نمونه موردی: روستای طار). *مکتب احیاء*، ۳(۷)، ۴۴-۵۳.

DOI: https://doi.org/10.22034/3.7.5
URL: https://jors-sj.com/article-88-1-fa.html

[DOI: 10.22034/3.7.5]